روزنامه صبح ایران
دنیای اقتصاد
گروه بین‌الملل
۵۲۱۸۹۳۱۴
international@den.ir

آمریکایی‌ها امروز در سرنوشت‌سازترین انتخابات میان‌دوره‌ای دو دهه اخیر پای صندوق‌های رأی می‌روند

سونامی «آبی» در دژهای «قرمز»

کسری غفوری
دنیای اقتصاد

انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا امروز سه‌شنبه از مین تا آلاسکا در حالی برگزار می‌شود که شاید بتوان آن را سرنوشت‌سازترین رقابت میان‌دوره‌ای این کشور در دو دهه اخیر دانست. تعیین تکلیف ۴۳۵ کرسی مجلس نمایندگان و ۳۵ کرسی مجلس سنا، سرنوشت کنترل کنگره را در ۲ سال پایانی ریاست جمهوری دونالد ترامپ مشخص خواهد کرد. داده‌ها بیانگر آن است که جمهوری‌خواهان به احتمال زیاد مجلس نمایندگان را واگذار خواهند کرد و در سنا نیز احتمالا متحمل شکست می‌شوند. امکان تغییر ترکیب قدرت در هر دو مجلس در حالی مطرح است که ۲ سال پیش و همزمان با پیروزی قاطع جمهوری‌خواهان در واشنگتن، چنین احتمالی بسیار دور از ذهن به نظر می‌رسید. آنچه این انتخابات را متمایز می‌کند نه فقط ابعاد موج احتمالی دموکرات‌ها، بلکه گستره نفوذ آن است؛ رقابت سنا اکنون به تگزاس و کانزاس رسیده است، دژهای مستحکم جمهوری‌خواهان که دهه‌هاست هیچ سناتور دموکراتی را به خود ندیده‌اند. این انتخابات همچنین حول محور موضوعی می‌چرخد که آمریکایی‌ها معمولا آن را در صندوق‌های رأی دخالت نمی‌دهند و آن مساله جنگ است؛ جنگ ایالات‌متحده علیه ایران اکنون به آزمونی برای اعتبار ترامپ و به‌ویژه در حوزه معیشت و وعده او مبنی بر پرهیز از جنگ‌های جدید بدل شده است.

پیشتازی در قلمرو رقیب

تازه‌ترین نظرسنجی‌های نیویورک تایمز و سینا که بین ۲۳ اکتبر (۱ آبان) تا اول نوامبر (۱۰ آبان) انجام شده است، نشان می‌دهد دموکرات‌ها در هر هفت ایالت کلیدی تعیین‌کننده سنا پیشتاز هستند؛ هرچند این برتری در آلاسکا و آیووا بسیار شکننده است. بر اساس این داده‌ها، در میشیگان عبدالرحمان السید از مایک راجرز جمهوری‌خواه جلوتر است. در تگزاس جیمز تالاریکو از کن پکستون پیش افتاده و در ایالت مین نیز تروی جکسون از سوزان کالینز جلوتر است. در اوهایو شرود براون، در کانزاس آدام همیلتون، در آلاسکا مری پلتولا و در آیووا جاش تورک پیشتاز هستند. اگر این نظرسنجی‌ها دقیق باشند و روند فعلی حفظ شود، دموکرات‌ها پیروز سنا خواهند بود. تنها ۳۸ درصد از رأی‌دهندگان احتمالی در این ایالت‌ها از عملکرد ترامپ رضایت دارند که برای ایالاتی که او ۲ سال پیش در بیشتر آنها با اختلاف دورقمی پیروز شده بود، رقمی بسیار پایین است. دموکرات‌ها در تمام این ایالت‌ها میان رأی‌دهندگان مستقل پیشتاز هستند و در دو موضوع هزینه‌های زندگی و جنگ‌های خارجی، اعتماد بیشتری نسبت به جمهوری‌خواهان دارند. با این حال، زنگ خطر برای دموکرات‌ها اینجاست که رأی‌دهندگانی که تنها در ماه اخیر تصمیم خود را گرفته‌اند، با اختلاف ۹ درصد به نفع جمهوری‌خواهان تمایل داشته‌اند.

در تحلیلی جداگانه، نیت کوهن تحلیلگر ارشد سیاسی نیویورک تایمز نوشت در دوران دوقطبی کنونی، هیچ سابقه تاریخی برای موفقیت یک حزب در این تعداد از ایالت‌های امن رقیب وجود ندارد. به گفته او میانگین نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد دموکرات‌ها در شمار بیشتری از کرسی‌های مطمئن جمهوری‌خواهان پیشتاز هستند تا مجموع کرسی‌هایی که در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ از رقیب گرفتند. گزارش فایننشال تایمز نیز حاکی از این است که در بازارهای پیش‌بینی پلی‌مارکت، شانس دموکرات‌ها برای پیروزی در مجلس نمایندگان ۹۵ درصد و در مجلس سنا ۷۳ درصد برآورد شده است.

آیا می‌توان به نظرسنجی‌ها اعتماد کرد؟

پایگاه تحلیلی «فایوتِرتی‌ایت» در بررسی ۱۸ انتخابات میان‌دوره‌ای از سال ۱۹۴۶ به این سو نشان داده بود که آخرین نظرسنجی‌های سراسری کنگره به‌طور میانگین تنها حدود ۲ واحد درصد با نتیجه نهایی آرای مجلس نمایندگان فاصله داشته‌اند. با این حال، به نوشته همین پایگاه، حاشیه خطای واقعی این نظرسنجی‌ها حتی در روزهای پایانی کارزار حدود پنج واحد درصد است. بازارهای پیش‌بینی نیز قطعیتی نمی‌دهند. شبکه خبری «استربت‌ارو نیوز» یادآوری کرد که وقتی بازارها شانس دموکرات‌ها در سنا را حدود دو سوم برآورد می‌کنند، یعنی هنوز از هر سه حالت دریکی جمهوری‌خواهان سنا را نگه می‌دارند و چنین نتیجه‌ای به معنای خطای پیش‌بینی نخواهد بود. یک خطر جدی نیز وجود دارد. احتمال مشارکت دموکرات‌های سفیدپوست در نظرسنجی‌های تایمز حدود ۳۰ درصد بیشتر از جمهوری‌خواهان سفیدپوست بوده که این شکاف از سال ۲۰۲۰ عمیق‌تر است؛ سالی که نظرسنجی‌های نهایی تایمز آرای ترامپ را تا پنج درصد کمتر برآورد کرده بودند. نیویورک تایمز سه احتمال را مطرح می‌کند: روش‌های جدیدِ وزن‌دهی ممکن است مشکل را حل کرده باشد، نظرسنجی‌ها اکنون دموکرات‌ها را دست‌کم می‌گیرند یا اینکه نرخ پاسخ‌دهیِ جمهوری‌خواهان از همیشه کمتر شده است.

واپسین روزهای کارزار

ترامپ روز یکشنبه (۱۰ آبان) کمپین انتخاباتی خود را با تجمع‌هایی در آیووا و کانزاس به پایان رساند؛ دوایالتی که در سال ۲۰۲۴ به راحتی در آنها پیروز شده بود. همان روز در میشیگان، هالی استیونز که در انتخابات مقدماتی از السید شکست خورده بود، از راجرز حمایت کرد و السید را به ترویج نفرت علیه اسرائیل متهم کرد. چاک شومر رهبر دموکرات‌های سنا این اقدام را خیانتی شرم‌آور خواند. در آلاسکا نیز یک قاضی فدرال، شکایت دولت ترامپ برای به چالش کشیدن پیش‌دستانه نتایج سنا را رد کرد. در گزارشی دیگر، فایننشال تایمز محاسبه کرده که میانگین قیمت بنزین در دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ دیروز دوشنبه (۱۱ آبان) به بیش از ۳٫۴۶ دلار در هر گالن رسیده که رکوردی بی‌سابقه برای هر دولتی است و قیمت گازوئیل نیز از زمان بازگشت او به قدرت بیش از ۷۰ درصد افزایش یافته است.

اکثریت جمهوری‌خواهان در کنگره بسیار شکننده است. دموکرات‌ها برای تغییر موازنه در مجلس نمایندگان به افزایش خالص سه کرسی و در سنا به افزایش خالص چهار کرسی (کرسی‌های به‌دست‌آمده منهای کرسی‌های از دست‌رفته) نیاز دارند؛ چرا که معاون رئیس‌جمهور یعنی جی‌دی ونس، می‌تواند در آرای برابر، نتیجه را به نفع جمهوری‌خواهان تغییر دهد. کوهن همچنین نوشت، اگرچه وقوع موج آبی در برخی برآوردها اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد، اما جمهوری‌خواهان نقشه‌های انتخاباتی را به گونه‌ای تغییر داده‌اند که بسیاری از حوزه‌ها در برابر موج‌هایی با قدرت ۶ تا ۸٫۵ درصد مقاومت کنند. برای پیروزی دموکرات‌ها در سنا، آنها باید ایالت‌هایی را فتح کنند که ترامپ در آنها با اختلاف ۱۳ درصد پیروز شده بود؛ اتفاقی که از سال ۲۰۱۰ در هیچ انتخابات برنامه‌ریزی شده‌ای رخ نداده است. در مجلس نمایندگان، پرسش اصلی دیگر پیروزی یا شکست دموکرات‌ها نیست، بلکه ابعاد اکثریت آن هاست. دموکرات‌ها در نظرسنجی‌های سراسری حدود ۹ واحد درصد پیش‌اند و جز در صورت خطایی بزرگ‌تر از خطای نظرسنجی‌ها در ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰، به احتمال زیاد کنترل این مجلس را به دست می‌گیرند. با این حال اگر تنها در حوزه‌هایی پیروز شوند که ترامپ در آنها با اختلاف ۸٫۵ درصد یا کمتر برده بود، به حدود ۲۲۳ کرسی می‌رسند، یعنی فقط پنج کرسی بیش از حد نصاب و در سنا هم دو کرسی کم می‌آورند. او در تحلیل نهایی خود نیز نوشت محبوبیت خالص ترامپ (فاصله موافقان و مخالفان) ۱۲ واحد پایین‌تر از آستانه انتخابات ۲۰۱۸ است؛ انتخاباتی که دموکرات‌ها آرای سراسری را با اختلافی نزدیک به ۹ درصد بردند.

بلومبرگ یادآوری کرد که از پایان جنگ جهانی دوم، حزب رئیس جمهور در انتخابات میان‌دوره‌ای به‌طور میانگین حدود ۲۵ کرسی مجلس نمایندگان و ۳٫۵ کرسی سنا از دست داده است. اما هفت ایالت از جمله تگزاس، فلوریدا، اوهایو و کارولینای شمالی نقشه حوزه‌های انتخاباتی را به سود جمهوری‌خواهان بازترسیم کرده‌اند و برخی از آنها پس از آن دست به کار شدند که دیوان عالی در آوریل ۲۰۲۶ استفاده از قانون حق رأی برای ترسیم حوزه‌هایی با اکثریت سیاه‌پوست و لاتین‌تبار را محدود کرد. دموکرات‌ها نیز در کالیفرنیا با نقشه حزبی خود به این اقدام پاسخ دادند و موج آبی می‌تواند دستاوردهای مورد انتظار جمهوری‌خواهان از بازترسیم حوزه‌ها را به شدت محدود کند. در عوض دست جمهوری‌خواهان از نظر مالی بازتر است و سوپرپک حامی ترامپ موسوم به «ماگا اینک» تا اوایل سپتامبر بیش از ۴۱۵ میلیون دلار نقدینگی داشت.

نقشه نبرد سنا

در سنا اما راه دموکرات‌ها باریک‌تر است. به نوشته بلومبرگ، آنها باید تقریبا همه ۱۳ کرسی خود را که در این دور به رأی گذاشته شده، از جمله در ایالت‌های رقابتی میشیگان، جورجیا و نیوهمپشایر حفظ کنند و دست کم دو کرسی را در ایالت‌هایی به‌دست آورند که ترامپ در ۲۰۲۴ با اختلاف دورقمی برده بود. هموارترین هدف آنها کارولینای شمالی است. فایننشال تایمز در گزارش دیگری نوشت روی کوپر، فرماندار پیشین دموکرات این ایالت، به احتمال زیاد پیروز می‌شود و به گزارش بلومبرگ، سوپرپک اصلی مدافع اکثریت جمهوری‌خواهان در سنا اوایل اکتبر این ایالت را رها کرد و منابعش را به کانزاس، می‌سی‌پی و کارولینای جنوبی برد. تام تیلیس، سناتور جمهوری‌خواه همین ایالت که دیگر نامزد نشده، در کتابی که ۱۶ اکتبر (۱۴ مهر) منتشر شد، برای حزبش «حمام خون» پیش‌بینی کرده بود.

بخشی از تنگ‌شدن رقابت در ایالت‌های قرمز به ضعف نامزدهای جمهوری‌خواه برمی‌گردد. تنها ۳۳ درصد از رأی‌دهندگان تگزاسی نگاه مثبتی به کن پکستون دارند که با تحقیقات، کیفرخواست و استیضاح روبه‌رو بوده و راجر مارشال در کانزاس نیز به دلیل شکایت از صدها بیمار بابت بدهی‌های پزشکی جزئی زیر فشار انتقادهاست. در مقابل، جیمز تالاریکو و آدام همیلتون که هر دو پیشینه مذهبی دارند، از محبوب‌ترین نامزدهای این نظرسنجی‌ها هستند. نیویورک تایمز نوشت که در کانزاس گرانی گازوئیل پس از جنگ و لغو تعرفه واردات گوشت گاو، کشاورزان را دلسرد کرده و ۱۳ درصد جمهوری‌خواهان این ایالت از همیلتون حمایت می‌کنند.

در اوهایو، رقابت براون و هیوستد نیم‌میلیارد دلار هزینه در پی داشته و به گفته موسسه رصد تبلیغات ادایمپکت، جمهوری‌خواهان ۸۰ میلیون دلار بیش از رقیب صرف آگهی کرده‌اند. در آیووا، اسُلی هینسون می‌کوشد خود را مستقل از ترامپ نشان دهد و به گزارش فایننشال تایمز، نوشته است هر جا واشنگتن اشتباه کند از ایستادگی در برابر آن نمی‌هراسد. با این همه، نیویورک تایمز یادآوری می‌کند که نظرسنجی‌ها بی‌نقص نیستند. سوزان کالینز ۶ سال پیش در همه نظرسنجی‌ها عقب بود، اما با اختلافی راحت دوباره به سنا راه یافت.



چهار سناریو

کوهن چهار سناریو را ترسیم کرده است. در نخستین حالت، دموکرات‌ها در سطح ملی با اختلاف پنج تا ۷ درصد پیروز می‌شوند؛ اما نظرسنجی‌ها آنها را بیش از واقعیت نشان می‌دهند؛ در این حالت جمهوری‌خواهان سنا را حفظ می‌کنند و دموکرات‌ها به اکثریت ضعیفی در مجلس نمایندگان می‌رسند. در سناریوی دوم، موج ۷ تا ۹ درصدی رخ می‌دهد و دموکرات‌ها در مجلس نمایندگان دستاوردهای بزرگی دارند اما جمهوری‌خواهان با اختلاف اندک سنا را نگه می‌دارند. در سناریوی سوم با موج هشت تا ده درصدی، نظرسنجی‌های دقیق دموکرات‌ها را صاحب سنا و اکثریت بزرگ‌تری در مجلس نمایندگان می‌کند. سناریوی چهارم، وقوع یک سونامی ۱۰ درصدی یا بیشتر است که به معنای تصاحب حدود ۲۵۰ کرسی توسط دموکرات‌ها، حداقل ۵۳ کرسی در سنا و آغاز فصلی جدید در سیاست آمریکا خواهد بود. آنچه این سناریوها را متمایز می‌کند، بخش کوچکی از رأی‌دهندگان متمایل به جمهوری‌خواهان است که از عملکرد رئیس جمهور ناراضی هستند. در سال ۲۰۱۸ محبوبیت او در ایالت‌های کلیدی قرمز بالای ۵۰ درصد بود؛ اما در نظرسنجی‌های اخیر تایمز در پنج ایالت قرمز، این عدد زیر ۴۰ درصد است.

«اما اشفورد» در فارن پالیسی نوشت که جنگ علیه ایران به یکی از سه موضوع اصلی رأی‌دهندگان تبدیل شده است؛ در نظرسنجی گالوپ ۷۷ درصد آن را بسیار مهم دانسته‌اند و ۷۲ درصد همین نظر را درباره قیمت بنزین داشته‌اند. او معتقد است این جنگ زندگی را گران‌تر کرده و وعده ترامپ مبنی بر پرهیز از جنگ‌های جدید را شکسته است. با این حال او به دموکرات‌ها هشدار داد که تصور نکنند نتیجه انتخابات لزوما درخواستی برای بازگشت به اجماع پیش از ترامپ است؛ چرا که ۴۹ درصد آمریکایی‌ها خواهان کاهش کمک‌های نظامی به سایر کشورها هستند و تنش‌زدایی ترامپ با چین نیز محبوبیت دارد.

فشارها در صورت تغییر موازنه قدرت، ابتدا متوجه پیت هگست، وزیر جنگ، خواهد بود و سپس استیو ویتکاف و جرد کوشنر، متحدان آمریکا نیز با دقت نظاره‌گر هستند. کانادایی‌ها با نرخی بالاتر از آمریکایی‌ها پیگیر اخبار انتخابات میان‌دوره‌ای بوده‌اند؛ اما به متحدان اروپایی توصیه شده است که انتظارات خود را پایین نگه دارند. ژرار آرو سفیر سابق فرانسه در واشنگتن نوشت ترامپ می‌تواند برای دور زدن کنگره به دیوان عالی تکیه کند.

به هر روی، نتایج انتخابات بیش از آنکه نشان‌دهنده تغییر جهت سیاسی باشد، بازتاب‌دهنده خشم از تورم باشد، چنان که ۸۴ درصد آمریکایی‌ها اقتصاد را مهم‌ترین مساله می‌دانند. نسرین مالک در گاردین استدلال کرد که دموکرات‌ها هر نتیجه‌ای بگیرند، کشوری را تحویل خواهند گرفت که ترامپ آن را دگرگون کرده است؛ از انحلال آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا تا نظام تعرفه‌های جدید و جنگی با ایران که پایان‌ناپذیر به نظر می‌رسد. به گفته او، حزب دموکرات که درگیر اختلافات داخلی بر سر اتهام السید مبنی بر ارتکاب تسل کشی در غزه توسط اسرائیل شده، نه به معنای گسست از گذشته، بلکه نشان‌دهنده امتداد دوران ترامپ است.

آیا نتانیاهو بن‌بست انتخابات اسرائیل را به جنگ گره خواهد زد؟

تقلای «بی‌بی» برای بقا در مارپیچِ قدرت



دنیای اقتصاد: انتخابات ۲۷ اکتبر (سه‌شنبه ۵ آبان) کنست، باعث شد بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، با وجود پیروزی حزب لیکود به‌عنوان بزرگ‌ترین حزب، نتواند اکثریت لازم را برای تشکیل کابینه به دست آورد. رقیب اصلی او، گادی آیزنکوت، فرمانده سابق ارتش نیز از دستیابی به اکثریت بازماند و ۱ نماینده فلسطینی را در موقعیتی قرار داد که می‌توانند تعیین کنند چه کسی کابینه بعدی را تشکیل می‌دهد. با این حال، بخش اعظمی از اپوزیسیون صهیونیستی از اتکا به حمایت احزاب فلسطینی امتناع می‌ورزد. «محمد ایوبی» در گزارشی برای «دِ کریدل» نوشت، نتایج نهایی انتخابات به بلوک نتانیاهو ۵۳ کرسی، به اردوگاه اپوزیسیون آیزنکوت ۴۸ کرسی و به احزاب عربی ۱۹ کرسی داد. هیچ‌یک از دو اردوگاه به ۶۱ کرسی لازم برای کسب اکثریت در کنست ۱۲۰ نفری دست نیافتند.

آیزنکوت یا نتانیاهو؟

گزارش‌ها حاکی از آن است که متحدان نتانیاهو و چهره‌های نزدیک به دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، تشکیل یک کابینه وحدت اضطراری با آیزنکوت را مورد بحث قرار داده‌اند؛ گزینه‌ای که می‌تواند مسیری محتمل برای بقای نتانیاهو در قدرت فراهم کند. این در حالی است که حزب «با هم» به رهبری نفتالی بنت اعلام کرد که در مشورت‌ها، آیزنکوت را به‌عنوان نامزد نخست‌وزیری به هرتزوگ، رئیس رژیم صهیونیستی، معرفی خواهد کرد (دنیای اقتصاد در گزارش‌هایی از جمله «شبه بن بست کنست ۲۶»، «آیا نتانیاهوهای جدید در راهند؟» و «تغییر مهره‌ها بدون تغییر پارادایم» به تفصیل به این مسائل پرداخته بود). به هر روی، بلوک ۵۳ کرسیِ نتانیاهو شامل حزب لیکود با ۲۷ کرسی، شاس با ۶ کرسی، اتحاد یهودیت توراتی با ۷ کرسی، اوتسما یهودیت (قدرت یهودی) با ۷ کرسی و صهیونیسم مذهبی با ۶ کرسی است. همچنین ۲۶ کرسی هم در اختیار شرکای مذهبی، حریدی (ارتدوکس افراطی) و راست‌گرای افراطی نتانیاهو است که اهرم فشار قابل توجهی به‌ویژه در زمینه‌های نظام‌وظیفه، شهرک‌سازی‌ها و بودجه در اختیار آنها بر سر ائتلاف قرار می‌دهد. اردوگاه حاکم از ۶۸ کرسی در کنست قبلی به ۵۳ کرسی سقوط کرد و توانایی خود را برای حکمرانی مستقل از دست داد.

«عادل شدید»، کارشناس مسائل اسرائیل، توصیف این نتیجه به‌عنوان یک «پیروزی واقعی» را رد کرده و می‌گوید این وضعیت نشان‌دهنده افت شدید در قدرت سیاسی اردوگاه حاکم است. وی استدلال می‌کند که برتری عددی نتانیاهو بر آیزنکوت بدون داشتن ظرفیت تشکیل کابینه، معنای چندانی ندارد. او توضیح می‌دهد: «پیروزی انتخاباتی با تعداد کرسی‌ها سنجیده می‌شود، درحالی که پیروزی در تشکیل کابینه با توانایی جلب ۶۱ امضا و ایجاد یک ائتلاف پایدار اندازه گرفته می‌شود.» از سوی دیگر، «سعد نمر»، استاد علوم سیاسی در دانشگاه بیرزیت، ارزیابی صریح‌تری ارائه می‌دهد. او می‌گوید پیشتازی نتانیاهو «نه یک پیروزی واقعی است و نه نشانه‌ای از ثبات سیاسی، بلکه گامی ناقص است که یک بحران ساختاری را بازتاب می‌دهد. اسرائیل دیگر میان چپ و راست دست به انتخاب نمی‌زند؛ بلکه در حال رأی دادن از درون یک چارچوب بسته راست‌گراست.»

۱۹ کرسی سرنوشت‌ساز عربی

تکان‌دهنده‌ترین تحول انتخابات ۲۷ اکتبر نمایندگی بی‌سابقه فلسطینی‌های دارای شهروندی اسرائیل است. ائتلاف «فهرست مشترک» ۱۱ کرسی کسب کرد؛ درحالی که «فهرست متحد عربی» (رعم) به رهبری منصور عباس به ۸ کرسی دست یافت. مجموع ۱۹ کرسیِ آنها، بزرگ‌ترین نمایندگی پارلمانی فلسطینیان را در تاریخ کنست تشکیل می‌دهد. میزان مشارکت در میان رأی‌دهندگان فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸ به حدود ۸۰ درصد رسید. «عادل شدید» این را به‌عنوان «تحولی بزرگ در تاریخ کنست» توصیف کرده و افزود که پیش از این، میزان مشارکت در میان رأی‌دهندگان فلسطینی عموما بین ۵۰ تا ۶۰ درصد بود. بر اساس ارزیابی او، این بار بیش از ۹۴ درصد از آرای آنها به احزاب فلسطینی رسید. او می‌گوید از ۱٫۱ میلیون رأی‌دهنده واجد شرایط فلسطینی، حدود ۹۰۰ هزار نفر شرکت کردند که تقریبا ۵۰۰ هزار رأی به فهرست مشترک و ۳۳۶ هزار رأی به رعم رسید. افزایش نمایندگی، آنها را در موقعیتی قرار داده که تعیین کنند آیا آیزنکوت می‌تواند یک کابینه جایگزین تشکیل دهد یا خیر؟

برخی احزاب سیاسی و رأی‌دهندگان فلسطینی مشارکت در هرگونه کابینه صهیونیستی را (چه مستقیم و چه غیرمستقیم) به‌طور مطلق رد می‌کنند. «تمر» این چالش را به‌عنوان تقابل میان «ضرورت انتخاباتی» و «طرد سیاسی» توصیف می‌کند. چهره‌های شاخص اپوزیسیون، از جمله آیزنکوت و آویگدور لیبرمن، در برابر تشکیل کابینه متکی به احزاب فلسطینی مقاومت کرده‌اند. استثنا در این میان یائیر گولان بوده که حزب او («دموکرات‌ها») به‌طور علنی از همکاری با نمایندگان فلسطینی برای برکناری نتانیاهو حمایت کرده است.

«آدام راسگون» در گزارشی برای نیویورک تایمز می‌نویسد، یکی از بزرگ‌ترین غافلگیری‌های انتخابات اسرائیل، موفقیت دو حزب سیاسی تحت رهبری عرب‌ها، یعنی «رعم» و «فهرست مشترک» بود. «رعم» یک حزب اسلام‌گراست و «فهرست مشترک» ائتلافی از سه جناح است که شامل چپ‌گرایان و ملی‌گرایان فلسطینی می‌شود. حزب «رعم» کوشیده تا با کاهش تاکید بر دشواری‌های زندگی فلسطینیان در کرانه باختری و غزه و تمرکز بیشتر بر مسائل گریبان‌گیر شهروندان عرب اسرائیل (مانند جرائم خشونت‌آمیز و سیاست‌های تبعیض‌آمیز مسکن) نزد سایر احزاب اپوزیسیون در اسرائیل مقبولیت پیدا کند. درحالی که «فهرست مشترک» نیز برای حقوق شهروندان عرب اسرائیل مبارزه کرده است، اما مکررا از برخورد اسرائیل با فلسطینی‌ها انتقاد کرده و خود را «یک جایگزین دموکراتیک واقعی برای اجماعِ نژادپرستانه صهیونیستی» نامیده است.

نتیجه رأی‌گیری بسیاری از رأی‌دهندگان عرب را به وجد آورد و هر دو حزب اعلام کردند که مایلند با اپوزیسیون اسرائیل برای سرنگونی نتانیاهو همکاری کنند. اما بسیاری از اعضای اپوزیسیونِ تحت رهبری یهودیان، همکاری با احزاب عربی برای تشکیل یک کابینه جدید را منتفی دانسته و به‌شدت با بسیاری از دیدگاه‌های آنها مخالفند. بسیاری از اسرائیلی‌ها از اعمال نفوذ احزاب عربی بر امور خارجی و مسائل امنیتی بیم دارند و درباره نحوه مواجهه با منازعه اسرائیل و فلسطین دچار اختلاف‌نظر هستند. اما احزاب عربی کدامند؟

الف. هدش

«هدش» یک جناح چپ‌گرای عربی-یهودی است که نام آن خلاصه شده «جبهه دموکراتیک برای صلح و برابری» است. وب‌سایت این حزب می‌گوید که از عقب‌نشینی اسرائیل از کرانه باختری، غزه و بلندی‌های جولان، بازگرداندن اسرائیل به مرزهای پیش از ۱۹۶۷ و به‌رسمیت‌شناختن «حق تعیین سرنوشت مردم عرب فلسطین و تشکیل دولت مستقل آنها» پشتیبانی می‌کند. این حزب همچنین خواستار حل مساله پناه‌جویان فلسطینی بر اساس قطعنامه‌های سازمان ملل متحد است. برخلاف سایر اعضای فهرست مشترک، یکی از نمایندگان منتخب هدش، یهودی است. هدش که در سال ۱۹۷۷ تاسیس شد، همچنین از «برابری کامل برای شهروندان عرب»، کاهش هزینه‌های نظامی، پایان دادن به تامین مالی شهرک‌سازی‌ها در کرانه باختری تحت اشغال اسرائیل، به‌رسمیت‌شناختن شهروندان عرب اسرائیل به‌عنوان «یک اقلیت ملی در سطوح سیاسی، اجتماعی و فرهنگی»، تصویب قوانین برای تقویت برابری زنان و ممنوعیت سلاح‌های کشتارجمعی حمایت می‌کند. رهبران این حزب از حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به رهبری حماس علیه اسرائیل انتقاد کرده‌اند. ایمن عوده تا ماه مه رئیس هدش بود. جانشین او یوسف جبارین است؛ یک وکیل حقوق بشر که در دانشگاه جورج‌تاون در واشنگتن درس حقوق خوانده است.

ب. بلد

«بلد» یک حزب ملی‌گرای فلسطینی است که نام آن مخفف «تجمع ملی دموکراتیک» است. این حزب که در اواسط دهه ۱۹۹۰ تاسیس شد، تاکید کرده که اسرائیل باید به «سرزمینی برای تمامی شهروندان» این رژیم تبدیل شود؛ موضعی که برای بسیاری از اسرائیلی‌ها نامقبول به شمار می‌رود. بسیاری از مواضع بلد شبیه مواضع هدش است. این حزب نیز از اسرائیل می‌خواهد به مرزهای پیش از ۱۹۶۷ عقب‌نشینی کند و شهروندان عرب را به رسمیت بشناسد. مقامات بلد گفته‌اند خواستار آن هستند که شهروندان عرب بر سیستم آموزشی خود خودمختاری داشته باشند، از جمله توانایی توسعه برنامه‌های درسی اختصاصی خودشان. قانون‌گذاران بلد گاهی اوقات خود را درگیر چالش با مقامات اسرائیلی یافته‌اند. در سال ۲۰۰۷، عزمی بشاره، یکی از بنیان‌گذاران حزب، از سوی مقامات اسرائیلی متهم به جاسوسی شد. او از ارتکاب هرگونه تخلف را تکذیب کرد و از آن زمان به قطر نقل مکان کرده است؛ جایی که به‌عنوان مدیرکل مرکز پژوهش‌ها و بررسی‌های سیاسی عربی فعالیت می‌کند. حنین زعبی، یکی دیگر از نمایندگان سابق پارلمان از حزب بلد، در سال ۲۰۱۱ پس از حضور در ناوگروه ترکیه‌ای که هنگام تلاش برای شکستن محاصره دریایی غزه مورد حمله تکاوران اسرائیلی قرار گرفت، موقتا از شرکت در مباحثات کنست محروم شد. سامی ابوشهاده، رئیس فعلی بلد، پس از نگارش مقاله‌ای که حمله ۷ اکتبر را «رویدادی تاریخی و مهم از نظر نظامی» توصیف کرد، تحت نظارت و بازجویی قرار گرفت. او سپس آن حمله را محکوم کرد. به توصیه دادگاه، او در این انتخابات از فهرست نامزدهای بلد کناره‌گیری کرد.

ج. تعال

«تعال» یک حزب عربی به رهبری احمد طیبی است که بیش از ۲۵ سال در کنست بوده است. نام این حزب مخفف «جنبش عربی برای تغییر» است. طیبی که تعال را در اواسط دهه ۱۹۹۰ تاسیس کرد، مدت‌هاست ابراز حمایت خود را از تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی و عقب‌نشینی اسرائیل به مرزهای پیش از ۱۹۶۷ اعلام کرده است. مانند سایر احزاب عربی، او نیز مدافع راه‌حل‌هایی برای جرایم افسارگسیخته در جوامع عربی در اسرائیل بوده است. در دهه ۱۹۹۰، او به‌عنوان مشاور یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادی‌بخش فلسطین خدمت می‌کرد. طیبی پس از ورود به کنست در سال ۱۹۹۹، به نیویورک تایمز درباره پیچیدگی سوگند وفاداری به اسرائیل گفت: «می‌توانم با آن کنار بیایم. من به صهیونیسم موجود سوگند وفاداری نخوردم، بلکه به دولت اسرائیلی سوگند یاد کردم که دوست دارم به‌عنوان یک شهروند، متعلق به من باشد.» او گفته که فهرست مشترک «آماده است تا برای سرنگونی نتانیاهو، قورباغه‌ها را قورت دهد [سخت‌ترین شرایط را تحمل کند]».

د. رعم

«رعم» یک حزب اسلام‌گرای محافظه‌کار است که نام آن مخفف «فهرست متحد عربی» است. منصور عباس رهبری این حزب را بر عهده دارد و تلاش‌های آن را برای ایفا کردن نقشی موثرتر و پرنفوذتر در سیاست اسرائیل هدایت کرده است. در سال ۲۰۲۱، رعم به عضوی از ائتلاف حاکم تبدیل شد که نقطه عطفی برای یک حزب اصلی عربی در سیاست اسرائیل است. عباس برای این تصمیم با انتقادات شدیدی مواجه شد؛ اما او به فراخوان خود برای ایفا کردن نقش مستقیم در تصمیم‌گیری‌ها ادامه داد. رعم در سال ۱۹۹۶ توسط شاخه‌ای از «جنبش اسلامی در اسرائیل» تاسیس شد؛ شاخه‌ای که برای تقویت هویت اسلامی و توانمندسازی اقلیت عرب فعالیت می‌کند.

سرنوشت نتانیاهو چه می‌شود؟

در ۲۶ اکتبر، روزنامه واشنگتن پست گزارش داد که متحدان نتانیاهو و چهره‌های نزدیک به دولت ترامپ درباره تشکیل یک کابینه وحدت با آیزنکوت گفت‌وگو کرده‌اند. این پیشنهاد به نتانیاهو اجازه می‌دهد با وجود موقعیت انتخاباتی تضعیف‌شده‌اش در سمت نخست‌وزیری باقی بماند و احیانا برخی از شرکای راست‌گرای افراطی خود را با اعضای اردوگاه اپوزیسیون آیزنکوت جایگزین کند. به گزارش جروزالم پست، نتانیاهو به مقامات آمریکایی گفته بود که در صورت ازسرگیری مواجهه نظامی با تهران، آیزنکوت شریک ترجیحی او خواهد بود. آیزنکوت ممکن است به نام امنیت تحت فشار قرار گیرد. رسانه‌های اسرائیلی همچنین از گمانه‌زنی‌ها درباره چرخش و تناوب در سمت نخست‌وزیری و کنار گذاشتن اولیه احزاب حریدی گزارش داده‌اند.

«شدید» سابقه‌ای برای تشدید نظامی در میان بحران‌های سیاسی داخلی می‌بیند. او حمله ۱۹۸۱ اسرائیل به راکتور هسته‌ای عراق در زمان مناخم بگین را یادآوری کرده و استدلال می‌کند که مقام‌های پیاپی اسرائیل هنگام مواجهه با مشکلات سیاسی داخلی به تشدید تنش نظامی متوسل شده‌اند. او می‌افزاید: «اگر نتانیاهو به این نتیجه برسد که کارنامه سیاسی‌اش به پایان خود نزدیک می‌شود و زندان در انتظار اوست، نه او و نه شرکایش در سوزاندن همه چیز برای حفظ موقعیتش به‌عنوان رئیس کابینه تردید نخواهند کرد. در آن نقطه، تشدید تنش نظامی نه صرفا یک ابزار امنیتی، بلکه یک ابزار موجودیتی و حیاتی در محاسبات شخصی و سیاسی نتانیاهو می‌شود.» «نمر» معتقد است تصاعد نظامی می‌تواند یک راه خروج سیاسی برای نتانیاهو فراهم کند و در عین حال آنچه را که او یک تله قانون اساسی برای مخالفانش می‌نامد ایجاد نماید. او سه پیامد محتمل را از دل این بن‌بست انتخاباتی شناسایی می‌کند: یک کابینه اقلیتِ اپوزیسیون با حمایت نمایندگان فلسطینی؛ یک کابینه وحدت شامل نتانیاهو و آیزنکوت؛ یا یک انتخابات دیگر در پی شکست مذاکرات ائتلافی. یک کابینه اقلیت اپوزیسیون متکی به آرای فلسطینی‌ها خواهد بود؛ یک کابینه وحدت نیازمند آن است که آیزنکوت از تعهد خود مبنی بر عدم خدمت زیر نظر نتانیاهو عقب‌نشینی کند. گزینه سوم به نتانیاهو اجازه می‌دهد در حالی که یک رقابت انتخاباتی دیگر سازمان‌دهی می‌شود، به‌عنوان «نخست‌وزیر سرپرست» در سمت خود باقی بماند. نمر می‌گوید: «وقوع جنگ می‌تواند آیزنکوت را تحت بهانه امنیت مجبور کند که به خواسته‌های ترامپ و هرتزوگ تن دهد و یک کابینه وحدت تشکیل دهد.»

«ایزابل کرشنر» هم در نیویورک تایمز به جنبه دیگری از سرنوشت انتخابات اسرائیل اشاره می‌کند. او نوشت، تلاش‌های قبلی نتانیاهو برای کار با میانه‌روها، پایان خوبی برای آنها به همراه نداشته است. در سال ۲۰۱۴، نتانیاهو وزرای دارایی و دادگستری خود را برکنار کرد، سپس انحلال پارلمان را مهندسی کرد و انتخابات